

با نگاه صرف تجربی، مسئله اصلی را عکس و آزمایش مشخص می کنند و بیمار آدم یتیمی است که درباره خودش مزخرف می گوید.

در نشست نقد اجتماعی مرگ چهره‌ها و امر پزشکی؛



به گزارش اسپادانا خبر، نشست تخصصی نقد اجتماعی مرگ چهره‌ها و امر پزشکی بعد از ظهر امروز (سه‌شنبه سوم اسفندماه) با حضور ارسیا تقوا، بابک قرایی‌مقدم، فرزانه طاهری و یوسف اباذری در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد.

یوسف اباذری (جامعه‌شناس) در این نشست علاقه ایرانی‌ها به بیمار بودن را یکی از نکات جالب برای پژوهش دانست و گفت: نکته مهم این است که چرا ایرانی‌ها علاقه دارند بیمار باشند. ایرانی‌ها بیماری را دوست دارند و کوچکترین تردیدی نسبت به این مسئله ندارم. با این حال جالب است هیچ‌کدام از پزشکان و حتی روان‌پزشکان و روان‌شناسان کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مسئله نمی‌کنند. اصلاً بیماری از نظر جامعه ایرانی رمانتیک است.

این جامعه‌شناس علت علاقه ایرانی‌ها به بیماری را رابطه آن با آزادی معرفی و بیان کرد: بین بیماری و آزادی رابطه مستقیم وجود دارد، افراد بیمار آزاد هستند و از هرگونه مسئولیت و وظیفه‌ای در هر زمینه‌ای راحت می‌شوند. پس هر کس بیمار می‌شود نتیجه‌اش کسب آزادی است. متأسفانه این موضوع اصلاً مطرح نشده و به بحث گذشته نشده است.

او سپس گریزی به فوت عباس کیارستمی و پرنده پزشکی او زد و اظهار داشت: در مورد پرونده عباس کیارستمی دو مسئله قابل بحث است، اول اینکه گفته شده کادر درمانی او را نشناخته و به همین دلیل توجهات لازم در طی درمان صورت نگرفته است. یعنی مثلاً سیستم درمانی ما به سلبریتی‌ها توجه کامل دارد و به مردم عادی خیر. نکته دیگری که از این توجیه می‌توان دریافت کرد و از قبلی هم وحشتناک‌تر است آنکه جامعه درمانی و پزشکان ما مطلقاً از فضای فرهنگی جامعه به دور هستند. متأسفانه پزشکان ما در حیطه اطلاعات عمومی در پایین سطوح قرار دارند. حالا کیارستمی را به چهره نمی‌شناختند، اما دانستن نام او واقعا وحشتناک است.

اباذری افزود: ما خودمان را به دست پزشکانی می‌سپاریم که کوچکترین اطلاعی از وضعیت فرهنگی و فلسفی ایران و جهان ندارند. البته دوستانی هم هستند که عرفان و فلسفه می‌خوانند، اما شخصا از این جداسازی‌ها متنفرم چون آن وقت همه خودشان را در طیف گروه فرهنگ محور ارزیابی می‌کنند.

این جامعه‌شناس یادآور شد: در روان‌شناسی خود فروید هم می‌گوید فرد بیمار باید وقار از دست رفته خودش را بازیابی کند، اما در حال حاضر دیگر هیچ کس موفر نیست.

اباذری سپس با اشاره به دو محور اصلی در رابطه پزشک و بیمار گفت: رابطه پزشک و بیمار یا دارو محور است که از دوره روشنگری به جا مانده و همه انسان‌ها را دارای کارکرد یکسان می‌داند. در این شیوه اصلاً اهمیتی ندارد که خود بیمار چه شرح حالی عنوان می‌کند و این تنها پزشک است که با اتکا به دانش تشخیص می‌دهد از کدام عمل جراحی یا دارو برای درمان او استفاده کند.

او اضافه کرد: در مقابل این شیوه در جهان بیمار محور وجود دارد که به عوارض یا کارایی متفاوت داروها و درمان‌ها بر افراد

مختلف تاکید دارد. در این شیوه ارتباط پزشک و بیمار جزو اخلاق پزشکی نیست بلکه بخشی از ذات حرفه پزشکی است. قدم اول برای ما هم شکل گیری ارتباط درست پزشک و بیمار است.

این جامعه شناس همچنین درباره ورود دیدگاه عقلانی و تکیه بر منطق در حرفه پزشکی از غرب به ایران اظهار داشت: اعمال شیوه های عقل محور یا تجربی در روند درمانی در ایران به اسباب و لوازم پزشکی وجه جادویی داد. آزمایش و شیوه های بررسی بدن دیگر بیمار را به فرمولی ریاضی تبدیل کرد. کار تا جایی پیش رفته که تنها مبنای قضاوت و تشخیص درمان نتیجه آزمایش است نه خود بیمار و شرح حالی که ارایه می دهد. باید در روند درمان بپذیریم که مرکزیت با بیمار است نه دارو و آزمایش.

ابادری متذکر شد: با این نگاه صرف تجربی، مسئله اصلی را عکس و آزمایش مشخص می کنند و بیمار آدم یتیمی است که درباره خودش مزخرف می گوید و محل درست درد را نه او که عکس و آزمایش تشخیص می دهند. عقلانیت معطوف به هدف که به ایران صادر شده ابعاد تحول آسای عجیبی پیدا کرده است. درست این است که به عکس و آزمایش استناد شود ولی تجربه بیمار را هم در نظر بگیریم. پزشک ایرانی این تجربه را فراموش کرده است و قطع ارتباط بیمار و پزشک او را به عدد و فرمول در نتیجه آزمایش مبدل کرده است.

این جامعه شناس افزود: پیش از این ها پزشک خانوادگی وجود داشت که حتی می دانست فلان بچه امروز به دلیل امتحان خودش را به بیماری زده است. نولیبیراليسم می خواهد این پزشک خانوادگی را از بین ببرد. قدیم بر اساس تشخیص خود پزشک کار درمان قطعی می شد امروز 90 درصد موارد به ام آر آی و... ارجاع داده می شود. قوه تشخیص به دلیل همین تکیه بر عقلانیت تجربی از بین رفته و کاملاً به آزمایش و عکس سپرده شده است. مثل تکیه زدن بر نیروی جادو.

او سپس درباره ورود پزشکی در حیطه زیبایی های مصنوعی نیز گفت: نولیبیراليسم ساخته شده تا رضایت و اعتماد به نفس مصنوعی بیافریند. دیگر مد تنها منحصر به لباس و پوشش نیست و عمل های جراحی زیبایی عملاً بدن را هم برای اعمال مد به کار گرفته اند. در چنین شیوه درمانی و پزشکی عملاً طبقات پایین به کلی رانده و طرد شده اند و بیمارستان هتل به وجود آمده است.

ابادری گریزی هم به پدیده گورخوابی زد و گفت: فرد معتادی که گور خواب شده دیگر توان و تحمل این رقابت و مبارزه برای کسب اعتبار کاذب را ندارد و به سبکی از لذت می رسد که به تعبیر فروید فراسوی آن مرگ است. تعبیری که به نوعی با عرفان هم همخوانی دارد.

این جامعه شناس البته ایرادات مطرح شده را نه شخصی که ساختاری دانست و تاکید کرد: اگر گاهی در بیان معضلات ساختاری سیستم پزشکی به صورت موردی هم نمونه هایی عنوان می شود ناظر بر اشخاص نیست. ما از ایرادات ساختار نظام پزشکی صحبت می کنیم پزشکان به صورت فردی می گویند که ما انسان های شریفی هستیم. اساساً تمامی مشکلات در جامعه ما ساختاری است حتی در همین حوزه جامعه شناسی.

ابادری متذکر شد: ما از نواقص ساختار می گوئیم فارغ از افرادی که در درون آن ساختار فعالیت می کنند. مسئله ما ساختار نظام پزشکی است که به سمت نئولیبرال شدن پیش می رود و وزیر بهداشت هم از آن دفاع می کند. ساختاری که وضعیتی به وجود آورده که طبقاتی از جامعه حتی نمی توانند نام پزشک را بیاورند چه برسد به دریافت خدمات درمانی. همین ساختار است که حتی یک برنامه مبتذل سطحی طنز را هم تحمل نمی کند و باعث شده این نواقص در هاله ای از تقدس قرار بگیرند.

او افزود: برای بیان مشکلات ساختاری ناچاریم از برخی عاملین و علت ها نام ببریم. علم پزشکی ریشه در علم و اخلاق و فلسفه دارد چرا باید با کوچکترین انتقاد آشفته شوند؟

وی درباره برخی نظریه ها در مورد توجه به تفاوت فرهنگ ها در ارائه خدمات پزشکی نیز بیان کرد: لیبراليسم وقتی به کارگران ارزان احتیاج داشت مسئله تنوع فرهنگی و همزیستی فرهنگی را مطرح کرد که امروز با روی کار آمدن ترامپ صد در صد شکست خورده است. برای حل مسائل نه فقط در بحث پزشکی و سلامت در کلیه امور دو راه حل داریم یا رویکرد فاشیستی مثل ترامپ یا تشدید دموکراسی و اجازه حضور و استفاده از امکانات برای همه مردم در هر سطحی.

ابادری در پایان تاکید کرد: تغییر ساختار و گفتمان غالب بسیار مشکل است. سیستم پزشکی ایران که مبتنی بر حکمت بود امروز به این ساختار معیوب رسیده است و مشکلات آن یک شبه حل نمی شود. امیدوارم پزشکان جوان بیایند و در مقابل این وضعیت ایستادگی کنند و ساختاری جدید و درست ارائه کنند. مردم هم پشت آن ها بایستند و از آن ها پشتیبانی کنند. اصولاً وقتی نمی توانیم سیستمی را اصلاح کنیم باید دوباره آن را بسازیم.

فرزانه طاهری نیز با اشاره به پرونده پزشکی هوشنگ گلشیری مجدد بر لزوم آشنایی بیماران و همراهان آن ها به حقوق بیمار و درمانی تاکید کرد.

طاهری در بخشی از سخنان خود گفت: پزشکان از حقوق خود آگاه هستند اما مردمی که گذرشان به سیستم درمانی می افتد کوچکترین اطلاعی از حقوق خود و وظایف پزشکان ندارند. اگر هم آدم ها در جامعه ما عادت به تحقیر شدن کرده اند در رابطه با پزشک نباید این تحقیر مجدد تکرار شود. چرا پزشکان از خود نمی پرسند این اقبال گسترده عمومی به طنزهایی که برای آن ها می سازند چیست؟ واقعاً پزشکان امروزی دیگر کوچکترین شباهتی به پزشکان دوره کودکی و نوجوانی من ندارند.

این مترجم تاکید کرد: موضع گیری و نگاه از بالا چنان بیمار را مرعوب می کند که نمی تواند شرح حالی از خود ارائه بدهد. وقتی از اتانازی یا سقط جنین صحبت می شود به سرعت پای اخلاق را به میان می کشند اما وقتی صحبت از قصور درمانی و پزشکی به میان می آید توجهی به جان انسان ها نمی شود.

او ادامه داد: ساحت پزشکی آنقدر در هاله ای از احترام فرو رفته که بیمار را در حد یک رعیت پایین می آورد. اعتماد بیمار به دانش پزشک برای درمان او قطعا بار سنگینی بر دوش پزشک می گذارد اما بیشتر مواقع بیمار سوالات یا نیاز به توضیح بیشتر را در خود سرکوب می کند چون پزشک را قادر مطلق می بیند که نمی خواهد از چشم او بیفتد و می خواهد خود را برای پزشک عزیز نگاه دارد. آنقدر در مباحث اولیه اخلاق پزشکی درجا می زنیم که واقعا صحبت از اخلاق پزشکی در حوزه ای مثل سلول های بنیادی دیگر تجملی از سر بی دردی به نظر می رسد.

طاهری یادآور شد: پزشکان باید آموزش ببینند و تمرین کنند تا مهارت های ارتباط با بیمار را بیاموزند و آن را به کار ببرند. امروزه شان وظیفه انسانی در رابطه پزشک و بیمار فراموش شده است.

ارسیا تقوا، بابک قرایی مقدم و ابوعلی ودادهیر نیز در این جلسه نکاتی را درباره سیستم پزشکی و مباحث مطرح شده عنوان کردند.

منبع/ ایلنا

برچسب ها: [فرهنگ](#) [1]

[سلامت](#) [2]